

# نهادهای بین‌المللی و تأمین اجتماعی: بانک جهانی

دکتر قاسم صالح‌خو

## پیش‌گفتار

مقاله حاضر بخش دیگری از سلسله مقالاتی در رابطه با مقوله تأمین اجتماعی از منظر نهادهای بین‌المللی است که توسط این نویسنده به رشته تحریر درآمده است.<sup>۱</sup>

تقسیم وظایف بین دو نهاد بین‌المللی معروف به برتون وودز یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه یا اختصاراً بانک جهانی، ایجاب می‌نماید که هر یک در حیطه اهداف و مزیت نسبی خود به فعالیت بپردازند. از اهداف اصلی صندوق بین‌المللی پول منجمده کمک به اهداف اولیه سیاست اقتصادی، یعنی اعتلا و حفظ اشتغال و درآمد واقعی و توسعه منابع تولیدی کلیه اعضا می‌باشد. طرح و اجرای برنامه‌های تعدیل و تثبیت اقتصادی در کشورهای عضو مبتنی بر تجربیات انباشته صندوق از طراحی، اجرا و پشتیبانی این برنامه‌ها در دیگر کشورهاست که لزوماً دیدگاه‌های اقتصاد کلان را می‌طلبد. با توجه به شدايد و تبعات منفی ناشی از اعمال سیاست‌های ریاضتی، که شدیدترین آنها بر اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه وارد می‌آید و بدون حمایت آنها اجرای چنین سیاست‌هایی موفق نخواهد بود، بدیهی

۱. ر.ک. به: مقالات "نهادهای بین‌المللی و تأمین اجتماعی: سازمان بین‌المللی کار و انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی"; فصلنامه تأمین اجتماعی؛ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۸، صفحات ۱۲۷-۱۴۶ و "نهادهای بین‌المللی و تأمین اجتماعی: صندوق بین‌المللی پول"; فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۹، صفحات ۹۷-۱۲۴.

است که صندوق نمی‌تواند در طراحی برنامه‌های اصلاح ساختاری به مقوله تأمین اجتماعی بی‌تفاوت باشد.

از سوی دیگر، بانک جهانی با توجه به این واقعیت که فعالیت‌های آن بیشتر در زمینه کمک به بخش‌های مختلف اقتصاد کشورهای عضو، که حدود ۷۵ درصد از منابع آن را به خود تخصیص می‌دهد، و اعطای تسهیلات برای انجام پروژه‌ها، که ۲۵ درصد باقی‌مانده منابع را شامل می‌شود، الزاماً با اقتصاد خرد کشورهای عضو سروکار دارد. بنابراین توجه بانک جهانی بیشتر معطوف اجرای برنامه‌های اصلاح ساختاری در نظام‌های تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی و بیمه معطوف می‌شود. از دیدگاه بانک جهانی، نظام‌های تأمین اجتماعی می‌باید از خطر ورشکستگی در امان بوده و اهداف بازتوزیع درآمد در جامعه را تحقق بخشد.

بدیهی است مزیت‌های نسبی هر یک از این دو نهاد مکمل یکدیگر بوده که همکاری‌های نزدیکی را می‌طلبند. تبعات انکارناپذیر نظام تأمین اجتماعی، در تحقق عدالت اجتماعی، که شرط لازم برای حمایت از انجام هرگونه اصلاحات اقتصادی با پشتیبانی مالی بین‌المللی است، توجه و حساسیت نسبت به نظام تأمین اجتماعی را در هر یک از دو نهاد یادشده ایجاب می‌نماید. از تاریخ برگزاری گردهمایی سران جهان منتج به صدور اعلامیه کپنهاگ در ماه مارس ۱۹۹۵، بانک جهانی علاوه بر ادامه بر ارائه توصیه‌های اصلاحات ساختاری نظام‌های تأمین اجتماعی، توجه ویژه‌ای را نیز به سیاست‌های اجتماعی کشورهای عضو معطوف داشته و در این راستا اهمیت خاصی برای سیاست‌گذاری‌های "حمایت اجتماعی" کشورهای عضو قائل گردیده است که چه بسا تا حدودی ملاحظات بانک در رابطه با نظام‌های تأمین اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده است.

حمایت اجتماعی عمومی از آن دسته از اعضای جامعه که قادر به تأمین حوائج خود نیستند در تأمین رفاه افراد و خانواده‌ها و به‌طور کلی اقتصاد و جامعه نقش حیاتی ایفا می‌کند. در عین حال در سال‌های اخیر ادعا می‌شود که تأمین اجتماعی یکی از دلایل عمده عملکرد نامطلوب اقتصاد در بسیاری از کشورهای صنعتی است. نقش و عملکرد تأمین اجتماعی با تجدید ارزیابی نقش دولت و بخش عمومی در دوران‌های اضطراری اقتصادی و مالی ارتباطی مستقیم پیدا می‌کند. بحث‌های جاری توأم با محدودیت‌های فزاینده اقتصادی موجب کاهش فاحش سطح حمایت اجتماعی در بسیاری از کشورها گشته است تا آن جا که وضعیت آینده سیاست‌گذاری‌های

حمایت اجتماعی را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است.<sup>۱</sup> محدودیت منابع کشورهای در حال توسعه و نیاز همیشگی آنان به حمایت‌های مالی شرکای تجاری، کشورهای اعطاکننده کمک و جامعه بین‌المللی و، علاوه بر آن، رشد فزاینده جمعیت و ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی در بسیاری از این کشورها آینده چندان روشنی را برای آینده تأمین اجتماعی در این جوامع ترسیم نمی‌نماید. تبعات روند جهانی شدن و شتاب‌گیری میزان رقابت در عرصه اقتصاد یک پارچه جهانی نیز بر دامنه ابهامات آینده تأمین اجتماعی می‌افزاید.

با عنایت به مراتب فوق، مقاله حاضر در دو بخش کلی: ۱. نقش بانک جهانی در رابطه با نظام‌های تأمین اجتماعی در کشورهای عضو و ۲. نقش بانک در رابطه با سیاست‌گذاری‌های "حمایت اجتماعی" ارائه می‌گردد.

## مقدمه

تأمین اجتماعی، که در جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک "حق اساسی" برای آحاد جامعه به رسمیت شناخته شده<sup>۲</sup>، به موجب مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار "... به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع

۱. "کاهش درآمد ممکن است درست همان زمانی رخ دهد که دولت‌ها به مخارجی بیشتر در مناطق خاص نیاز داشته باشند، خواه به جهت افزایش شمار سالمندان و خواه به سبب خود جهانی شدن. با وجود سیاست‌ها و مقررات جاری، تحول ویژگی‌های جمعیتی دولت‌ها را زیر فشار قرار خواهد داد که بر مخارج درمانی و مستمری‌های بازنشستگی بیفزایند. این آثار در بسیاری از کشورها، ده سال دیگر که نسل‌های پر زادوولد به دوران بازنشستگی می‌رسند، ظاهر خواهد شد. و تا آثار زمان اثرات جهانی شدن بر نظام‌های مالیاتی شدت خواهد گرفت.

جهانی شدن ممکن است درباره مخارج آموزش و پرورش، کارآموزی و آموزش مهارت‌ها، تحقیق و توسعه، محیط زیست، زیر بناها، و ایجاد تغییرات نهادی به نحوی که هم کارایی افزایش یابد و هم به توافق و قراردادهای بین‌المللی عمل شود، فشار ایجاد کند؛ این مخارج در جهت ایفای نقش اساسی دولت در تخصیص منابع مالی قرار دارد. بنابراین مخارج تأمین اجتماعی، که از وظایف جدید دولت است، در منگنه درآمد رو به کاهش و نیازهای رو به افزایش مخارج سنتی گیر خواهد کرد. در چنین موقعیتی، دولت ناگزیر خواهد شد که به نقش خود در اقتصاد کشور دوباره ببیند. "ویتو تانزی، "جهانی شدن و آینده تأمین اجتماعی"، ترجمه مهندس عزیز کیاوند، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۹، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، صفحه ۱۳۴.

۲. به‌موجب ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، "هر کس به‌عنوان یک عضو جامعه حق برخوردارگی از حمایت‌های تأمین اجتماعی را دارد و مجاز است که از طریق مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خود را که لازمه رشد و نمو آزادانه شخصیت اوست، در حد امکانات و منافع هر کشور به دست آورد."

یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت، و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد.<sup>۲</sup>

مقوله تأمین اجتماعی در سطح جهان به عنوان مهم‌ترین محور برقراری عدالت اجتماعی تلقی می‌شود تا آن‌جا که انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی<sup>۱</sup> شعار "صلح پایدار بدون عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی نمی‌تواند تحقق یابد" را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد. در ایران نیز مشکلات فزاینده ناشی از ناهنجاری‌های اقتصادی، و در رأس آنها معضلات فقر و بیکاری، توجه بیشتری را به مقوله تأمین اجتماعی، که در برخی مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی، به ویژه در ماده ۲۹، مورد تأکید قرار گرفته ایجاد نموده است. بانک جهانی نیز به لحاظ رسالت خود در زمینه تجهیز منابع جهت اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و عمرانی کشورهای عضو که اعمال نظارت بر مراحل اجرایی این برنامه‌ها را ایجاد می‌نماید علاوه بر همکاری با صندوق بین‌المللی پول و برخی دیگر از نهادهای بین‌المللی، در رابطه با مقوله تأمین اجتماعی نیز مواضع و راهکارهای مشخص و مؤکدی را اتخاذ می‌نماید. با عنایت به مقتضیات و امکانات متفاوت کشورهای عضو، بانک جهانی معتقد به ارائه یک راهکار واحد جهت رفع مشکلات فعلی و آینده نظام‌های تأمین اجتماعی در جهان نیست.

تأمین اجتماعی نه تنها در تمام کشورهای صنعتی بلکه در کشورهای با درآمدهای متوسط و کم نیز نقش مؤثری در تأمین رفاه افراد جامعه ایفا می‌کند. ارائه خدمات ترمیم درآمد برای سالمندان، معلولین، بی‌سرپرستان، بیماران و بیکاران بدون شک یکی از دستاوردهای بنیادین قرن بیستم به شمار می‌رود. در عین حال به خاطر این‌که نظام تأمین اجتماعی در آینده نیز به نحوی عادلانه و کارآمد عمل کند نحوه ارائه خدمات، تأمین منابع مالی و مدیریت آن بایستی تعدیل شود.

به عقیده بانک جهانی، نظام‌های تأمین اجتماعی موجود در پنج زمینه دچار مشکل

#### 1. International Social Security Association (ISSA)

۲. "برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، بیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در رادماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حتی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند."

می‌باشند: عدم تطبیق با شرایط محیط اقتصادی جدید، ارائه خدمات غیر مؤثر، اثرات اقتصادی نامطلوب، فقدان پایداری مالی و سطح بالای مخاطرات سیاسی. بانک جهانی بر این باور است که یک راه حل چند جانبه شامل ترکیبی از مزایا، تأمین منابع مالی و ترتیبات مدیریتی بهترین جواب به چالش‌های حاضر و آینده تأمین اجتماعی است. امتیاز اصلی این طرح در تنوع مخاطرات آن است ولی این به معنای آن نیست که این نسخه واحد برای تمام کشورها مناسب است.<sup>۱</sup>

به‌رغم انعطاف‌پذیری، بانک جهانی به لحاظ حفظ منافع بازنشستگان در کشورهای عضو تنها آن دسته از سیاست‌گذاری‌های تأمین اجتماعی را که به لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی پایدار و قابل تداوم تشخیص دهد تأیید می‌نماید. معیارهای چهارگانه بانک جهانی در ارزیابی سیاست‌گذاری‌های تأمین اجتماعی به شرح زیر است:

۱. آیا اصلاحات مورد نظر جوابگویی ملاحظات بازتوزیعی می‌باشد؟  
۲. آیا سیاست‌های اقتصاد کلان و مالی که قرار است انجام اصلاحات را امکان‌پذیر سازند منطقی می‌باشند؟

۳. آیا ساختار اداری قادر به اجرای برنامه جدید و اصلاحات چند جانبه می‌باشد؟

۴. آیا ترتیبات و نهادهای صندوق بازنشستگی از چنان اقتداری برخوردار هستند که با لحاظ کردن درجه‌ای قابل قبول از مخاطرات، بخش مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup> را اداره نمایند؟

صندوق‌های بازنشستگی و بخش‌های بیمه‌ای در غالب کشورهای در حال توسعه به دلایل اقتصادی و نظارتی وضع خوبی نداشته و نظام‌های تأمین اجتماعی آنان نیز با مشکلات عدیده مالی و سازمانی روبه‌رو می‌باشند.

اصلاحات متنوع و گسترده می‌تواند منافع اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای این کشورها به بار آورد. بهره‌مندی کامل از اصلاح نظام تأمین اجتماعی قابل دسترسی نخواهد بود مگر این‌که نظام‌های اجتماعی بازنشستگی تجدید ساختار شده و کوچک‌تر شوند، نرخ کسورات کاهش یابد و زمینه برای تشکیل صندوق‌های خصوصی بازنشستگی (اجباری و داوطلبی) افزایش

۱. سخنرانی آقای Robert Holzmann مدیر گروه اجتماعی در اداره توسعه منابع انسانی بانک جهانی تحت عنوان A World Bank Perspective on the Future of Social Security که در مجموعه سخنرانی‌هایی تحت عنوان The Future of Social Security: The Stockholm Conference به چاپ رسیده است.

2. Funded Pillar

یابد. اصلاح بخش بیمه نیز به خاطر ارتباط نزدیکی که با بیمه‌های بازنشستگی، زندگانی، معلولیت و مستمری سالانه دارد ضروری است.<sup>۱</sup>

یک نظام تجدید ساختار شده تأمین اجتماعی از ورشکستگی رهایی یافته و اهداف بازتوزیعی را محقق خواهد ساخت. توسعه صندوق‌های بازنشستگی و فعالیت‌های بیمه‌ای منابعی را در بلندمدت فراهم خواهد ساخت که می‌تواند موجب رشد بازار سرمایه‌شده و ممکن است مزایای بلندمدت مکفی قابل دسترسی برای اعضا و افراد تحت پوشش فراهم آورد. اهداف یک برنامه اصلاحات ساختاری بلند پروازانه می‌باید:

- از ورشکستگی نظام تأمین اجتماعی (که برای کشورهایی که دارای جمعیت جوان می‌باشند مشکلی بلندمدت‌تر است) جلوگیری نموده و مزایای بازنشستگی قابل دسترس و پایداری را تضمین نماید.

انگیزه‌هایی که اعمال نفوذهای سوق‌الجیشی را تشویق نموده و از عملکرد کارآمد بازارهای کار جلوگیری می‌کند از بین ببرد.

- وقوع بازتوزیع خود سرانه و دمدمی را با حذف بسیاری از تقایص طراحی که مبتلا به نظام‌های تأمینی در بسیاری کشورهای در حال توسعه است تحت کنترل در آورد.

- پس‌اندازهای مالی بلندمدتی را که می‌تواند محرک نوین‌سازی و رشد بازارهای سرمایه بوده، منابع مالی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت فراهم کرده و خصوصی‌سازی را تسهیل نماید به وجود آورد.

بانک جهانی انجام تحقیقات و نوآوری‌هایی را که می‌توان از آنها به عنوان خطوط اصلی دستورکار یاد کرد به صورت موارد زیر پیشنهاد می‌نماید.

۱. کاهش در هزینه‌های اداری مربوط به ذخایر سرمایه‌گذاری و این پیشنهاد شامل راه‌حل‌های اطاق تهاتر برای وصولی‌ها و مزایای پرداختی<sup>۲</sup> و مزایای سرمایه‌گذاری‌های حجیم می‌شود.
۲. ارتقای دولت مداری، وضع مقررات و سرپرستی ترتیبات صندوق‌های بازنشستگی.
۳. ذخیره‌گیری که از نظر هزینه توجیه‌پذیر باشد و شاخص گذاری قیمت‌ها.

۱. مطالب این قسمت عمدتاً از منبع زیر اقتباس گردیده است:

Dimitri vitas, *Sequencing Social Security, Pension, and Insurance Reform*, Financial Sector Development Department, The World Bank, Dec. 1995.

2. Clearing house solutions for contribution and benefit administration

۴. ترتیباتی که تعداد کارگران غیررسمی را کاهش داده و پوشش کارگری را همگانی نماید. اگرچه موارد یادشده، که در سال ۱۹۹۸ در ارتباط با برگزاری کنفرانس استکهلم راجع به آینده تأمین اجتماعی عنوان گردیده، همچنان در مواضع بانک جهانی به قوت خود باقی است با این حال، به نظر می‌رسد مواضع بانک جهانی در پی روند جهانی‌شدن و یکپارچگی اقتصاد تأکید بیشتری بر ابعاد حمایتی مقوله تأمین اجتماعی (در مقایسه با ابعاد بیمه‌ای و امدادی آن) دارد. به‌رغم این که، همان‌طور که اشاره شد، دیدگاه‌های بانک جهانی در زمینه تأمین اجتماعی انعطاف‌پذیر و تنها معطوف به پایداری و تداوم سیاست‌گذاری‌های تأمین اجتماعی است به‌نظر می‌رسد که این نهاد بین‌المللی در حال حاضر دیدگاهی وسیع‌تر و فراگیرتر از گذشته حاصل نموده و از زمان صدور بیانیه معروف به "ابتکار استکهلم" در سال ۱۹۹۵<sup>۱</sup> (به شرح ضمیمه در پایان این مقاله) تحولاتی چشم‌گیر در مواضع بانک جهانی در رابطه با مقوله حمایت اجتماعی صورت گرفته است.

### تأکیدات جدید بانک جهانی بر مقوله "حمایت‌های اجتماعی"

قبل از ورود به مبحث لازم به یادآوری است که همکاری و هماهنگی بین مؤسسات و نهادهای تابعه یا وابسته به سازمان ملل متحد از دیرباز مشکل آفرین و در برخی موارد به سختی قابل اجرا و بنابراین کشورهای عضو را از بهره‌برداری کامل از نتایج همکاری‌های بین‌المللی محروم ساخته است. این موضوع در مرحله اول بین صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی<sup>۲</sup> و سپس بین این دو نهاد، که هر دو از آژانس‌های سازمان ملل متحد و بازوهای پولی و مالی و عمران و توسعه آن سازمان به شمار می‌روند، و نهاد مادر بیش از دیگر نهادهای بین‌المللی صادق بوده است.

۱. اعلامیه کینهاگ و برنامه کاری سران جهان برای توسعه اجتماعی

The Copenhagen Declaration and Programme of Action: World Summit for Social Development.

(اصطلاحاً "ابتکار استکهلم" (The Stockholm Initiative)

۲. با توجه به این که وام‌ها و کمک‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی غالباً برای موارد معین و مشخص اعطا شده و بر اساس ضوابط و شرایط از پیش تعیین شده به صورت مشروط در اختیار اعضا گذارده می‌شود در برخی موارد ناهنجاری‌های موجود از ایجاد چنین همکاری منجر به وجود آمدن "شرایط مضاعف" (Cross Conditionality) یا تأخیر در انجام به‌موقع پروژه‌ها می‌گردید. نگارنده خود شخصاً در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ شاهد کندی اقدامات بانک جهانی در بسیج منابع مالی مقرر، و در نتیجه تأخیر در اجرای برنامه‌های تعدیل و تثبیت اقتصادی برای کشور آفریقای غنا بود که در نهایت منجر به تجدیدنظر در چگونگی این روابط بین این دو نهاد گردید.

با توجه به فرایند جهانی شدن و یکپارچگی اقتصاد جهانی، در سال‌های اخیر محافل بین‌المللی توجه بیشتری را به این نوع همکاری‌ها معطوف می‌دارند. این محافل همواره ضمن تأکید بر تقسیم وظایف و استفاده بهینه از تخصص‌های موجود و مزیت‌های نسبی هر یک از نهادهای بین‌المللی، در عین حال توصیه بر رویکردی همه‌جانبه بر نحوه ایجاد هماهنگی‌های لازم بین کلیه نهادهای مسئول و ذی‌ربط در روابط خود با اعضای جامعه بین‌المللی دارند.

با عنایت به موارد فوق، کمیته توسعه<sup>۱</sup> در نشست مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۸ خود در بند ۸ قطعنامه صادره اظهار می‌دارد: "وزرا (ی شرکت‌کننده در اجلاس) نقش اصولی بانک جهانی در فقرزدایی و ارتقای شرایط رفاهی را در راستای اهداف توسعه بین‌المللی مورد تأیید قرار دادند. بنابراین، وزرا بانک را ترغیب نمودند که با همکاری سازمان‌های متحد، صندوق بین‌المللی پول دیگر نهادهای ذی‌ربط "اصول کلی به‌گزینی تجربه"<sup>۲</sup> سیاست‌گذاری‌های ساختاری و اجتماعی (شامل استانداردهای کارگری) را تدوین نماید." در این اجلاس، وزرا خواستار شدند که بانک جهانی پیش‌نویسی را در زمینه "اصول کلی به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی"، جهت بررسی در نشست بعدی کمیته در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۹۹ فراهم سازد.

رویدادهای منجر به مطرح‌شدن مجدد مفهوم "حمایت اجتماعی"، تجربه شرق آسیا مؤید این واقعیت بود که رشد سریع اقتصادی طی چند دهه و با نرخ‌های بالا می‌تواند میزان فقر را به‌نحو چشم‌گیری کاهش دهد. این تجربه در عین حال مؤید این واقعیت تلخ نیز بود که چنانچه در جامعه‌ای که چنان رشد قابل توجهی را تجربه کرده معیارهای لازم به‌منظور حمایت از درآمدها و برنامه‌های تورهای ایمنی پیش‌بینی نشده باشد، زمانی که تولید ناخالص داخلی دچار افت شدید شده و سطح دستمزدها کاهش یافته و بیکاری شایع می‌شود، افراد جامعه شدیداً آسیب‌پذیر می‌شوند. در کشورهای صنعتی چون اتحادیه اروپا که برنامه‌های حمایت اجتماعی مانند سیاست‌گذاری‌های کارگری فعال، بیمه‌های اجتماعی و امدادهای اجتماعی وجود دارند

۱. عنوان مخفف "کمیته مشترک وزرای هیئت رئیسه‌های بانک و صندوق در مورد انتقال منابع واقعی به کشورهای در حال توسعه" (The Joint Ministerial Committee of the Board of Governors of the Bank and the Fund on the Transfer of Real Resources to Developing Countries.) مرکب از ۲۴ عضو وزرای دارایی، یا مقامات هم‌رتبه، است که معمولاً: در سال دو مرتبه، همزمان با اجلاس‌های بهار و سالانه صندوق و بانک، تشکیل جلسه می‌دهند. این کمیته نظرات مشورتی و گزارش‌های خود را در زمینه کلیه جنبه‌های انتقال منابع واقعی به کشورهای در حال توسعه به هیئت رئیسه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ارائه می‌دهد.

2. general principles of good practice



افزایش بیشتر سطوح هزینه‌های عمومی، که معمولاً در سطوح بالایی قرار دارند، به‌ویژه با عنایت به سالمندی جامعه و تشدید رقابت‌های بین‌المللی نگرانی‌هایی را موجب می‌شود. در مقایسه، اقتصادهای در حال توسعه که منابع عمومی کمی در اختیار دارند به‌رغم میزان بالای فقر و عدم تأمین درآمدهای اعضای جامعه در بخش‌های رسمی و غیر رسمی بازار کار، نمی‌توانند هزینه‌های عمومی را افزایش دهند.

این تعارض بین نیاز به تأمین درآمد و عدم امکان تحقق آن، که واقعیتی انکارناپذیر است، چاره‌ساز و جوابگویی یک میلیارد نفر جمعیت جهان که با درآمد روزانه‌ای کم‌تر از یک دلار زندگی می‌کنند، یا کارگرانی که در اثر اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری و جهانی شدن به خیل بیکاران پیوسته‌اند و سالمندانی که نیازمندی که شمار آنها رو به افزایش است، نمی‌باشد. تعریف متعارف حمایت اجتماعی، که معمولاً عبارتست از "اتخاذ معیارهای عمومی که درآمد افراد را تضمین نماید"<sup>۱</sup>، و به‌نحو بارزی تحت تأثیر معیارهای عمومی قرار دارد. به‌ویژه مداخلات در بازار کار، بیمه اجتماعی و تورهای ایمنی اجتماعی - ممکن است به قسمی در این تعارض دخیل باشند. اولاً تعریف متعارف بر نقش بیش از حد دولت تأکید می‌ورزد. ثانیاً عملکرد تأمین اجتماعی بیشتر در چهارچوب هزینه و مصارف مورد بررسی قرار گرفته و اثرات مثبت آن بر نظام اقتصادی مورد عنایت واقع نشده. ثالثاً، هیچ‌گونه راه‌حل راهبردی و سازوکاری جهت کاهش فقر ارائه نگردیده است. رابعاً طبقه‌بندی و جداسازی مداخلات حمایت اجتماعی موجب گردیده تا وجوه مشترک برنامه‌های حمایت اجتماعی در پرده ابهام قرار گیرد.<sup>۲</sup>

به دلایل فوق و واقعیت‌های دیگری، من جمله این که برنامه‌های حمایت اجتماعی مبتنی بر تلقی متعارف به ندرت در زمینه‌های کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه مؤثر افتاده و انتقادات شدیدی که مستمراً در این زمینه متوجه بانک جهانی دیگر نهادهای ذی‌ربط گردیده، آنان را بر آن داشته که در مفاهیم متعارف حمایت اجتماعی تجدیدنظر نمایند. امروزه تفکر

۱. به نقل از مقاله دیگری از همین نویسنده تحت عنوان "نقش نظام‌های حمایتی اجتماعی غیر دولتی در کاهش فقر" که برای سمینار فقرزدایی که قرار است در آتی نزدیک برگزار شود ارائه گردیده است. مطالب این بخش عمدتاً از منبع زیر اقتباس گردیده است.

Robert Holzmann and steen Jorgensen, "Social Risk Management: A new conceptual framwor for Social Protection, and beyond, *Social Protection* Discussion Paper No. 0006, The World Bank, Feb. 2000.

۲. همان.

جدیدی از حمایت اجتماعی جایگزین مفهوم متعارف آن ارائه می‌شود. در تعریف جدید پیشنهادی، "حمایت اجتماعی به معنای مداخلات بخش عمومی در جهت ۱. کمک به افراد، خانواده، و جوامع محلی در زمینه مدیریت بهتر مخاطرات (ریسک)، و ۲. حمایت از فقیر (مستمند) به معنای مطلق کلمه (مثلاً از کارافتاده) می‌باشد.<sup>۱</sup> در قالب این تفکر جدید و ریشه آن، که همانا چهارچوب "مدیریت مخاطرات اجتماعی"<sup>۲</sup> می‌باشد، موارد زیر درخور توجه است:

- ایجاد یک تور ایمنی و در عین حال نوعی سکوی پرش برای فقرا. طراحی برنامه‌های فقرزدایی می‌باید به نحوی باشد که ظرفیت و امکان جهش از فقر را برای فقیر، یا لاقفل بازگشت او به بازار اشتغال درآمدزا فراهم سازد.

- تلقی حمایت اجتماعی نه تنها به عنوان یک هزینه مطلق بلکه نوعی سرمایه‌گذاری در تشکیل سرمایه‌گذاری انسانی. کمک به مستمند در دست و پنجه نرم کردن با تبعات ناشی از تکان‌های زیان‌بخش از طریق امکان دسترسی به خدمات اولیه اجتماعی، اجتناب از انزوای اجتماعی و مقاومت به جای تسلیم در مقابل اثرات ناشی از تکان‌های زیان‌آور، یکی از عوامل کلیدی تفکر جدید است.

- توجه بیشتر بر علل و تأکید کم‌تر بر معلول‌های فقر یا توانمندسازی فقرا در زمینه انتخاب فعالیت‌های متضمن مخاطره. بازده بیشتر، و خودداری آنها از مشارکت در سازوکارها و مخاطرات ناکارآمد، غیر عادلانه و غیررسمی (زیرزمینی).

- عنایت بیشتر به واقعیات. در میان جمعیت شش میلیاردی جهان سال ۲۰۰۰، کمتر از یک چهارم دسترسی به برنامه‌های رسمی خواهند داشت و کمتر از پنج درصد قادر خواهند بود که با اتکا به منابع شخصی مخاطرات را به صورتی موفقیت‌آمیز مدیریت نمایند. متأسفانه به طوری که فوقاً نیز اشاره شد. از بین بردن شکاف فقر از طریق "انتقال منابع عمومی"<sup>۳</sup> نیز از توان مالی بسیاری از کشورهای جهان سوم خارج است.

اصول و به‌گزینی تجربه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی. به طوری که قبلاً نیز اشاره شد متعاقب درخواست کمیته توسعه مبنی بر تهیه پیش‌نویس "اصول کلی و به‌گزینی سیاست‌گذاری‌های

۱. همان.

2. social risk management

3. public transfers

اجتماعی" توسط بانک جهانی جهت بررسی اعضای کمیته در نشست بعدی، کمیته در بند ۱۰ قطعنامه مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۹۹ خود ضمن اشاره به پیش‌نویس تهیه‌شده اشعار داشت: وزرا نقش مهم بانک (جهانی) و صندوق (بین‌المللی پول) درآمدهای جاری به‌منظور تقویت ساختار نظام پولی و مالی بین‌المللی از طریق مشارکت در قاعده‌مند کردن استانداردهای بین‌المللی، اصول و به‌گزینی تجربه‌ها را مورد تأیید قرار دادند.

با یادآوری درس‌های آموخته شده از بحران مالی اخیر (اشاره به شرق آسیا)، وزرا لزوم اقدام جمعی برای کمک به کشورهای عضو به پشتیبانی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و نهادهایشان را خواستار گردیدند. آنها پیش‌نویس یادداشتی در زمینه اصول و به‌گزینی تجربه‌های سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، که از جانب کمیته (توسعه) از بانک جهانی و همکاری سازمان ملل متحد و دیگران در خواست شده بود، را مورد بررسی قرار دادند.<sup>۱</sup> وزرا معتقد بودند که بهتر آن است که پیشرفت بیشتر این اصول بنیادین اجتماعی در چهارچوب سازمان ملل متحد و به‌عنوان بخشی از پیگیری جامعه بین‌المللی در مورد مفاد اعلامیه کنه‌هاگ گردهمایی سران برای توسعه اجتماعی صورت پذیرد. وزرا بانک را تشویق کردند که کشورهای عضو را در جهت تجهیز منابع داخلی و خارجی جهت پیاده‌کردن این اصول و به‌گزینی تجربه‌ها در زمینه استفاده مؤثر از این منابع کمک نماید.

وزرا بر اهمیت تمرکز بانک بر تقویت حمایت این نهاد از اعضا در مورد کاربردی کردن این اصول کلی به موضوعات مشخص مبتلا به کشورها، با عنایت به نقش عملیاتی بانک در ارتقای کاهش فقر به‌صورتی فراگیر ناشی از تجربیات توسعه به‌گزینی تجربه‌ها، که علی‌القاعده می‌باید به‌عنوان بخشی از سهم بانک جهانی در بررسی‌های اصول توسط سازمان ملل متحد به شمار آید، تأکید نمودند.

ایشان همچنین بر اهمیت و فوریت اقدام بانک و صندوق در زمینه کمک به کشورهای عضو بر جهت آمادگی آنها برای مقابله با شرایط بحرانی، اطمینان بخشی از این‌که در زمان وقوع بحران، قشر آسیب‌پذیر تحت حمایت قرار دارند، و نیز این‌که فرایند توسعه بلندمدت تداوم داشته باشد، تأکید ورزیدند؛ وزرا از بانک درخواست کردند که در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و به‌گزینی تجربه‌هایی که بتواند پیاده‌کردن این اهداف را در سطوح ملی و بین‌المللی حمایت نماید در اجلاس سالانه [صندوق و بانک] به کمیته گزارش دهند.

به‌طوری‌که از مفاد قطعنامه مستفاد می‌شود هدف کلی از تدوین اصول کلی و به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی حصول اطمینان از ادغام اهداف توسعه انسانی در مقابله با بحران و نیز راهبردهای توسعه بلندمدت می‌باشد.

تدوین پیمان‌نامه‌های بین‌المللی در مورد اصول و ضوابط توسعه اجتماعی معمولاً از مسئولیت‌های سازمان ملل متحد می‌باشد. مزیت نسبی بانک جهانی در این زمینه از تجربیات

۱. متن مورد اشاره تحت عنوان: Principles and Good Practices in Social Policy, April 1999 در دسترس و بعضاً در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

اجرائی آن در این زمینه در کشورهای عضو، به‌ویژه در رابطه با کوشش‌های این نهاد و مقوله فقرزدایی، نشأت می‌گیرد. چالش واقعی اکنون کاربردی ساختن اصول و ضوابط تدوین شده در جوامع مختلف در سراسر جهان است. با توجه به تخصص‌ها و رسالت‌های هر یک از نهادهای بین‌المللی، سازمان ملل متحد مسئولیت رهبری تهیه و توسعه اصول اجتماعی را عهده‌دار می‌شود و بانک جهانی عصاره تجربیات و عملکرد میدانی خود در زمینه به‌گزینی تجربه‌ها در کشورهای عضو را به‌منظور حمایت از اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی در اختیار کشورهای عضو قرار خواهد داد.

اصول اجتماعی حاکم بر کلیه کشورها هستند. در بسیاری از موارد، عملکرد کشورهای صنعتی اثرات به‌سزایی در رویدادهای اجتماعی کشورهای در حال توسعه می‌گذارند، به‌ویژه در زمینه اقتصاد کلان این کشورها و سیاست‌گذاری‌هایی که بر انتقال منابع، جریان کار، سرمایه و کارگر تأثیر گذارند. اوضاع اجتماعی همچنین می‌باید در چهارچوب نیروهای جهانی، که رشد فن‌آوری سریع و یکپارچگی فزاینده جهان به‌وجود می‌آورند، بررسی شوند. این نیروها بالقوه پیشرفت‌های اجتماعی را موجب می‌گردند اگرچه آنها همچنین مخاطره آسیب‌پذیری اقتصادی و فشارهای منفی بر عدالت اجتماعی را نیز موجب می‌گردند. مقابله با این مخاطرات نیازمند اقدام در سطوح ملی و بین‌المللی می‌باشد.

پیش‌نویس اصول و به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی که در نشست پیشگفت کمیته توسعه، ورد بررسی قرار گرفت در واقع عصاره یک سری اصول در چهار محدوده بوده که از بیانیه‌های مختلف سازمان ملل و به‌ویژه اعلامیه‌گردهمایی سران برای توسعه اجتماعی در کپنهاگ در سال ۱۹۹۵ (ابتکار کپنهاگ)، تلخیص شده به شرح زیر می‌باشد:

- نیل به دسترسی جهانی به خدمات اجتماعی اساسی (شامل دسترسی به آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تولید نسل، اقدامات بهداشتی و آب قابل شرب با کیفیت)  
- توانمندسازی کلیه مردان و زنان به کسب درآمد ایمن و پایدار و شرایط کاری مناسب (از بین بردن همه نوع کار اجباری، اشتغال‌های مضر برای کودکان، تبعیض در استخدام و اشتغال و حمایت از آزادی تشکل و حق چانه‌زنی دسته جمعی برای دستمزدها در قالب اتحادیه‌های کارگری که مربوط به سازمان بین‌المللی کار می‌شود).

- ارتقای نظام حمایت اجتماعی (شامل پیش‌بینی‌های ایمن‌سازی در مقابل تکان‌های

زیانبار، به‌ویژه در زمینه‌های کاهش در دارایی‌های انسانی، اجتماعی و فیزیکی و کمک به کاهش فقر، همچنین تورهای تأمین اجتماعی هزینه مؤثر<sup>۱</sup> به عنوان ابزاری مکمل در نظام حمایت اجتماعی کشور از الزامات است و بایستی توان حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر در اوضاع و شرایط عادی و قابلیت تعمیم به نیازهای اضافی در شرایط بحرانی را داشته باشد.

- تحکیم وفاق ملی (شامل اهداف کلیدی ساخت جوامعی امن، با ثبات و عادلانه، ارتقای محترم شمردن تنوع، نیل به برقراری عدالت اجتماعی بین مردان و زنان، تحکیم تحمل و حمایت از حقوق بشر و ارتقای مشارکت همگانی در اقتصاد، جوامع و محیط‌های طبیعی در برگیرنده فقرا، آسیب‌پذیران و محرومین جامعه می‌باشد).<sup>۲</sup>

فعالیت‌های مربوط به‌گزینی تجربه‌ها، در پی درخواست کمیته توسعه در نشست آوریل ۱۹۹۸ خود مبنی بر تهیه گزارشی در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و به‌گزینی تجربه‌هایی که بتواند پیاده کردن این اهداف را در سطوح ملی و بین‌المللی پشتیبانی نماید، بانک جهانی اقدام به تهیه این گزارش تحت عنوان "مدیریت ابعاد اجتماعی بحران‌ها: به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی"<sup>۳</sup> نمود.

در آن گزارش کوشش اصلی بانک بر ایجاد مبنایی برای ارائه توصیه‌های کاربردی در زمینه سیاست‌گذاری اجتماعی، به‌ویژه در قالب پیشگیری و مدیریت ابعاد اجتماعی بحران‌های اقتصادی بود. اینک کوشش بانک بایستی بر آن معطوف باشد که ابعاد اجتماعی بحران‌های اقتصادی را مورد بازنگری قرار داده و بهترین نحوه مقابله با آنها را توصیه نماید.

پیشگیری از رویدادهای بحرانی و تبعات آنها به یقین در اولویت همه کشورهاست و به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی برای ارتقای رشد پایدار و مقاومت در مقابل تکان‌های اقتصادی، در قلب پیشگیری وجود دارد.

در محدوده مطالعات مربوط به به‌گزینی تجربه‌ها سه عامل اصلی نقش کلیدی ایفا می‌نمایند: ۱. تقویت دانش و تفاهم در رابطه با به‌گزینی تجربه‌ها در مقام چاره‌جویی ابعاد اجتماعی بحران؛ ۲. سازماندهی دانش به‌نحوی که قابل دسترسی و قابل استفاده باشد؛

1. cost effective

۲. اصول و به‌گزینی تجربه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی.

3. Managing The Social Dimensios of Crises: Good Practices in Social Policy, Sept. 14, 1999.

۳. کاربردی کردن دانش، که در این زمینه بانک جهانی در کمک به اعضا در مورد نحوه برخورد با مسائل اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌نماید. بانک جهانی تجربه‌های ارزنده‌ای در زمینه مدیریت مقابله با بحران در کوتاه‌مدت و رویکردهای پیشگیری در بلندمدت دارد. تدابیر کوتاه‌مدت می‌باید متوجه طراحی طیف وسیعی از محدودده‌های اقدامات عمومی، که برای پیشگیری از ضایعات جبران‌ناپذیر در شرایط انسانی و اجتماعی اولویت قائل شود، باشد. نحوه مقابله با بحران همچنین شامل سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کلان، تورهای ایمنی اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت- درمان و بازار کار می‌شود. دو ناحیه میان‌بُری حیاتی نیز قطعاً بایستی مورد عنایت قرار گیرند: جمع‌آوری اطلاعات و وجود نهادهای معتبر.

پس از گذر بحران، دو موضوع دیگر را نیز می‌باید برای توسعه بلندمدت مورد توجه قرار داد. اول جست‌وجوی راهکارهایی که هزینه تکان‌های وارده را با پیش‌بینی سیاست‌گذاری‌ها و نهادهایی در اوقات غیر بحرانی که توان مقاومت بیشتری را در جامعه فراهم کند، منجمله معیارهایی را که به‌خودی خود ضررهایی را که در زمان وقوع تکان‌ها وارد می‌شوند به حداقل برساند. دوم، پس از گذر از بحران، مفید خواهد بود که اقداماتی در رابطه با اصلاحات و تغییرات در برنامه‌هایی که در زمان بحران ضروری تشخیص داده شده بود به مرحله اجرا در آید.

بر اساس تجربه‌های حاصله از بحران شرق آسیا و امریکای لاتین، بانک جهانی در تدارک برنامه‌هایی است که با همکاری دیگر نهادهای بین‌المللی بتواند ارتباطی بین به‌گزینی تجربه‌ها و تصمیمات اجرایی برقرار نماید. اجزای سه‌گانه این برنامه به شرحی که فوقاً نیز اشاره شد، عبارتند از (الف) افزایش معلومات در مورد درک به‌گزینی تجربه‌ها در مقابله با ابعاد اجتماعی بحران؛ (ب) سازمان‌دهی معلومات به‌نحوی که بتوان آن را قابل دسترسی و مفید به‌فایده ساخت؛ و (ج) کاربردی‌ساختن معلومات به‌نحوی که بانک بتواند با همکاری کشورهای عضو متقاضی، نقش محوری در مقابله با مسائل اجتماعی داشته باشد.<sup>۱</sup>

هدف از این مطالعات بانک جهانی در دستور کار قراردادن محوریت همکاری بانک جهانی و

۱. همان. مفاد این بخش عمدتاً بر اساس گزارش پیشین است. اطلاعات مربوط به به‌گزینی تجارب که در این قسمت ارائه می‌شود مبتنی بر صورت ریز سؤالاتی است که در سند زیر که در هیئت اجرایی بانک جهانی در ماه ژوئن ۱۹۹۹ مورد بحث واقع شده آمده است:

دولت‌ها در مقابله با ابعاد اجتماعی عوارض بحران‌ها و بهره‌گیری از به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است. با این حال بایستی توجه داشت که پیشگیری به مراتب بهتر از مقابله است، اگرچه همان‌طور که قبلاً نیز متذکر گردید، به‌گزینی تجربه‌های سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در قلب پیشگیری جای دارد تا از این طریق بتوان توسعه‌ای پایدار و مقاوم در برابر تکان‌های اقتصادی به‌وجود آورد. سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مستنزع از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیستند. بدیهی است سیاست‌گذاری‌های خوب اجتماعی نمی‌توانند از بروز تکان‌های اقتصادی جلوگیری کنند، با این حال نه شرایط اقتصاد کلان و نه رشد همه‌جانبه اقتصادی بدون شرایط خوب اجتماعی امکان‌پذیر نیستند. بنابراین همکاری تنگاتنگ بین بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شرط لازم تدوین و اجرای به‌گزینی تجربه‌ها می‌باشند.<sup>۱</sup> بهترین طریق مدیریت ابعاد اجتماعی بحران شدیداً بستگی به ساختار اولیه و شرایط نهادین کشور بحران زده، ساختار شکاف‌های طبقاتی در داخل کشور، چگونگی و تبعات توان اقتصادی به‌وجود آمده (که غالباً متأثر از عوامل خارجی می‌باشد)، و انواع برنامه‌های مرتبط موجود در کشور دارد. همچنین مدیریت بحران در کوتاه‌مدت غالباً نیاز به منابع مالی اضافی از خارج از سیستم دارد. یکی از سرخط‌های گزارش بانک جهانی این است که هر کشوری در زمان‌های عادی نهادها و برنامه‌هایی را به‌وجود آورد که بتواند "جهندگی" بیشتری در سطوح اقتصاد کلان و محلی در مقابل بحران از خود نشان داده و عکس‌العمل مؤثرتری در مقابل تکان‌های وارده از خود نشان دهد. قدر مسلم این‌که هیچ مدل واحدی برای "سیاست‌گذاری خوب" وجود ندارد. هر کشور راه‌حل‌های خود را با توجه به پیشینه تاریخی، فرهنگ و نهادهای موجود انتخاب می‌کند.

### شناخت تجربه‌های متعالی: مدیریت تبعات اجتماعی تکان‌های اقتصادی

بحران‌های اقتصادی در نتیجه تکان‌های غیر منتظره‌ای که یکباره به‌وقوع می‌پیوندد، مانند فرار یکباره سرمایه‌ها به خارج از کشور، حادث می‌شوند. این تکان‌ها به‌انحای مختلف بر جوامع و خانواده‌ها اثر منفی می‌گذارند. از جمله این آثار می‌توان کاهش تقاضا برای کارگر (که موجب

۱. برای ملاحظاتی در زمینه روابط بین صندوق و بانک رجوع شود به زیرنویس شماره ۲، صفحه ۲۰۳ فوق و نیز مقاله‌ای از همین نویسنده تحت عنوان "نهادهای بین‌المللی و تأمین اجتماعی: صندوق بین‌المللی پول"، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۴، صفحه ۱۰۱، زیرنویس شماره ۱.

کاهش دستمزد و درآمد کارگران، به‌ویژه زنان، می‌شود)، تغییرات در قیمت‌های نسبی (که به‌ویژه بر قشر آسیب‌پذیر اثرگذار است)، کاهش هزینه‌های دولتی (که منجر به کاهش خدمات عمومی، کمک‌های دولتی و افزایش مالیات می‌شود)، تغییرات در ارزش‌داری (از کاهش ارزش سهام در بورس اوراق بهادار گرفته تا اغنام و احشام و دیگر کالاهایی که قشر فقیر به جای پس‌انداز از آنها استفاده می‌کنند) و بالاخره تغییرات در محیط جامعه (منجمله بهداشت و امنیت عمومی، سوء تغذیه و مخاطرات ناشی از افزایش بیماری‌ها، خشونت و عدم امنیت می‌شود. تجربه ثابت‌کرده که اثرات جبران‌ناپذیری که از دوران‌های رکود و توأم با بحران بر نمایه‌های اجتماعی عارض می‌شوند به مراتب بیشتر از دستاوردهایی است که از دوران‌های مساوی رشد عاید جامعه می‌شود.

بحران‌های اقتصادی آثار ویران‌کننده‌ای بر اوضاع اجتماعی می‌گذرانند. بسیاری از کاهش‌ها اثرات پایدار و غیرقابل جبرانی دارند و هزینه‌های تحمیل‌شده ناشی از بحران سال‌ها پس از آن که ضررهای مادی بحران کاهش یافته‌اند همچنان باقی می‌مانند. کارگرانی که در دوران بحران مشاغل خود را از دست می‌دهند ممکن است هرگز نتوانند مجدداً در بازار رسمی کار شاغل شوند. کودکانی که از مدرسه خارج می‌شوند اغلب دیگر بر نمی‌گردند. برخی از آنان در حرفه‌هایی چون فحشا که آینده آنان را تیره و تار می‌سازد استثمار می‌شوند. سوء تغذیه نوزادان موجب از دست دادن استعدادهای آنان در آینده می‌شود. تأخیر در تزریق واکسن‌ها، کودکان را در مقابل امراض آسیب‌پذیر می‌سازد. و بالاخره، از هم پاشیدن خانواده‌ها و ساختار اجتماعی، موجب از هم پاشیدگی دائمی انسجام اجتماعی شده و خشونت‌های خانوادگی و محلی را افزایش می‌دهد.

### تجربه‌های متعالی در سیاست‌گذاری و نحوه‌های مقابله رسمی

نحوه مقابله کشور در زمان وقوع بحران می‌باید برای کوتاه‌مدت و بلندمدت طراحی شود. در کوتاه‌مدت اولویت بایستی جلوگیری از ضایعات جبران‌ناپذیر بر شرایط انسانی و اجتماعی باشد. اقدامات بایستی شامل طیف کاملی از اقدامات رسمی، شامل سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کلان، تورهای ایمنی، آموزش و پرورش، بهداشت-درمان، و سیاست‌گذاری‌های بازار کار باشد. در عین حال، به‌طوری‌که قبلاً نیز اشاره شد، دو زمینه دیگر با اثرات متقابل، یعنی جمع‌آوری اطلاعات و معتبر ساختن نهادها نیز می‌باید مدنظر قرار گیرند.



پس از پایان بحران، دوران انتقالی بازگشت به توسعه بلندمدت بایستی شروع شود. قبلاً نیز یادآور شد که دو مسئله بلندمدت می‌باید مدنظر قرار گیرند. نخست این‌که مؤثرترین نحوه به حداقل رساندن هزینه تکان‌ها، پیش‌بینی سیاست‌گذاری‌هایی در دوران رونق است که جامعه را در قبال تکان‌ها مقاوم نماید. این‌گونه سیاست‌گذاری‌ها شامل معیارهایی می‌شود که خودبه‌خود اثرات بالقوه تکان‌ها را جبران کند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره خواهد شد. دوم این‌که پس از گذشت بحران، می‌توان اصلاحات کلیدی و تغییرات برنامه‌ای را که در زمان وقوع بحران ضرورت انجام آنها ثابت شد، و تغییر تلقی اولویت‌ها و نقش‌هایی که آنها را مختلف توانایی انجام آنها را به ثبوت رسانده‌اند، شناسایی نمود.

سیاست‌های اقتصاد کلان. حزم‌اندیشی در سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کلان، به‌ویژه در رابطه با سیاست‌های پولی و مالی، نظام مالی معتبر، و مدیریت دقیق جریان‌ات سرمایه در خارج از شرایط اجتناب‌ناپذیر مقاومت در قبال تکان‌های بالقوه اقتصادی می‌باشند. به‌گزینی تجربه‌ها در این زمینه در مرحله انتقالی گذر از بحران بر دو رکن استوار است. اول توجه به اثرات اجتماعی سیاست‌های انقباضی در طراحی نحوه‌های مقابله اقتصاد کلان با بحران در کوتاه‌مدت، حتی اگر این توجه طویل‌شدن دوران انتقالی بازگشت به مسیر رونق را موجب شود. دوم این‌که زمانی که سیاست‌های تحدیدکننده اقتصادی کلان ضروری باشد، این‌که چگونه هزینه‌های عمومی و درآمدها را به نفع افرادی که بیش از دیگران متضرر شده‌اند ترکیب کنیم بسیار مهم است.

بدیهی است ایجاد ارتباط بین تغییرات هزینه-درآمد دولت و مسئله توزیع درآمد موضوعی است پیچیده و نیازمند درک مشروح اثرات آن بر هزینه‌های مصرف‌کنندگان، عکس‌العمل‌های شرکت‌های بخش خصوصی، و انتقالات بین خانواده‌ها.<sup>۱</sup>

تورهای تأمینی. یک نظام کارآمد تور تأمینی جهت مدیریت بحران شامل عوامل مختلفی است که جواب‌گوی نیازهای گروه‌های مختلف باشد، مثلاً برنامه‌های اشتغال‌زای دولتی با هدف استخدام افراد کم‌درآمد و آنها که توان کارکردن دارند، معیارهایی که کودکان را برای ادامه تحصیل در مدرسه نگهدارد، حمایت از کالاهای اساسی، یا انتقالات نقدی هدفمند، می‌شود. بایستی توجه داشت که استقرار یک نظام تور تأمینی پس از وقوع بحران کاری بس دشوار است. بنابراین

۱. برای شرح بیشتری در این زمینه رجوع شود به "Managing the Social Denencion"، صفحه ۶-۷.

مهم است که چنین نظامی در شرایط غیر بحرانی به نحوی طراحی شود تا در صورت بروز بحران بتوان آن را جهت مقابله با تکان‌های ناشیه بسط داد.<sup>۱</sup>

آموزش و پرورش، اولین اولویت، حفظ کیفیت آموزش ابتدایی و دسترسی به آن است. اولویت بعدی نگهداری کودکان در مدارس می‌باشد. هدف بلندمدت تر حصول اطمینان از این است که آحاد جامعه یک دوران آموزش ابتدایی با کیفیت مناسب را به پایان رسانده و مهارت‌های پایه‌ای- سواد آموزی، تفکر ریاضی، منطق و مهارت‌های اجتماعی از قبیل کار دسته‌جمعی- را فراگرفته و امکان فراگیری مهارت‌های بالاتر را در طول دوران زندگی در کلاس‌های آموزشی بعد از دوران ابتدایی خواهند داشت.

بهداشت- درمان. معمولاً وقوع بحران، توأم با افزایش مخاطرات بهداشت- درمان و کاهش توانایی استفاده از این خدمات می‌باشد. مسئولان بخش بهداشت- درمان بایستی به‌طریقی برنامه‌ریزی کنند که آثار و تبعات در کوتاه‌مدت، به حداقل رسیده و جهش بازگشت به سوی عادی شدن را در بلندمدت تقویت نماید. سلامتی، تغذیه و سیاست‌های تولید نسل و خدمات مؤثر بهداشت- درمان اجزای لازم برای کشورها هستند که از محاصره فقر، انفجار جمعیت، بهداشت- درمان نامناسب و رشد ضعیف اقتصادی نجات یابند. ادامه فعالیت در بخش بهداشت- درمان بر سه اصل استوار است: بهبودی بهداشت- درمان، تغذیه، و زادوولد قشر فقیر؛ تقویت عملکرد نظام بهداشت- درمان؛ و تأمین منابع مالی برای مراقبت‌های بهداشت- درمان.

سیاست‌های بازار کار. در غالب کشورهای در حال توسعه، بروز بحران‌ها موجب کاهش دستمزدها در عین حال عدم افزایش قابل توجه اشتغال گردیده است. بازار کار در این کشورها نسبتاً به صورت رضایت‌بخش عمل می‌کنند و نیازی به سیاست‌گذاری ویژه برای بازار کار نیست. ولی در کشورهای با سطح درآمد بالاتر، چون آرژانتین و گره، افزایش فاحش بیکاری موجب بروز بحران شده که این خود دال بر انعطاف‌ناپذیری بازار کار در این کشورها می‌باشد. در چنین بازارهایی دولت‌ها باید سیاست‌گذاری‌های اشتغال، نهادها و اقدامات را به نحوی پیش‌بینی نمایند که زمینه افزایش مخاطرات مربوط به اشتغال و آسیب‌پذیری بازار کار را کاهش

۱. همان. برای توضیحات بیشتر، به‌ویژه در مورد نحوه طراحی نظام‌های تور ایمنی، رجوع شود به صفحات ۹-۷ و پیوست شماره ۲.

داده و کارگران و خانواده‌های آنان را قادر سازند که در صورت بروز بحران بتوانند با تبعات آن مقابله نمایند. یک چارچوب اشتغال مناسب بیش از فقط سیاست‌گذاری و برنامه‌های دولت را می‌طلبد. ترتیبات سه جانبه کارفرما، اتحادیه‌های کارگری و دولت می‌تواند موازینی را برای توافق در زمینه دستمزدها فراهم آورد که در نهایت موجب انعطاف بیشتر بازار کار گردد. توافقی‌هایی که مبتنی بر انعطاف‌پذیری ساعات کار، نرخ‌های اضافه‌کار و پاداش‌ها هستند بر آنها که ساعات کار و دستمزدها را ثابت‌نگه می‌دارند مرجح می‌باشند. علاوه بر آن، حداقل دستمزدهای تعیین‌شده ملی یا مبتنی بر قرارداد بهتر است بر اساس مذاکره و نه صرفاً بر اساس ضریب شاخص‌های مربوطه<sup>۱</sup> تعیین گردند.

اطلاعات. یکی از عوامل کلیدی اقدام در مقابله با بروز بحران نیاز به موجودیت اطلاعات به‌موقع و متنوع دارد. بدون وجود اطلاعات بروز و قابل اعتماد نمی‌توان برنامه‌های هدمند و مؤثر وضع نمود. ارزیابی اثرات اجتماعی و تعلیمات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی وابسته به اطلاعات در مورد اثرات بحران خانواده‌های کم‌درآمد و جوامع آسیب‌پذیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در آن صورت بتوان اجرای برنامه‌های مقابله با بحران را کاملاً تحت نظارت داشت. مشکلات ناشی از فقدان اطلاعات، به‌ویژه زمانی که دولت‌ها در اثر بروز بحران مجبور به کاستن از هزینه‌ها می‌شوند مضاعف است. تأمین منابع فوری جایگزین کاملاً ضروری است. پیش‌بینی نظام‌های کارآمد و خوب طراحی‌شده برای جمع‌آوری دائمی اطلاعات به تصمیم‌گیری‌های سنجیده و برنامه‌ریزی کمک می‌کند.

نهادهای. نتایج پژوهش‌های بسیاری مؤید این واقعیت است که نهادهای معتبر و نیک دولتمداری<sup>۲</sup> از الزامات توسعه می‌باشند. علاوه بر آن این دو عامل، نهادهای معتبر و نیک دولتمداری، به کشورها کمک می‌کنند تا در مقابله با بحران‌ها پیروز شوند.

بانک جهانی دلیل این که گره سریع‌تر از دیگر کشورهای شرق آسیا توانست بر مشکلات بحران دهه ۱۹۹۵ فائق آید را معلول این عوامل می‌داند: نخست، میزان شکاف طبقاتی دو کشور از قبیل نابرابری درآمدها و اصطکاکات سیاسی یا قومی سازش‌ناپذیر. دوم، کیفیت نهادهای کشور، که بر توانایی این کشورها در مدیریت کشمکش‌های اجتماعی اثرگذار است. تجربه شرق

1. Indexation

2. good governance

آسیا عامل دیگری را نیز مؤثر می‌داند: اهمیت شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای مالی و چارچوب‌های نظارتی.

آنچه تاکنون آورده شد حاکی از مطالعات و اقدامات جاری بانک جهانی در زمینه به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در ارتباط با دیگر ابتکارات بانک جهانی می‌باشد. ادامه این فعالیت‌ها شامل جمع‌آوری تجربیات بیشتر و آزمون‌های به‌گزینی، مذاقه بیشتر در زمینه‌های اجرایی و حصول اطمینان از این‌که ابتکار عمل به‌گزینی تجربیات همچنان با دیگر ابتکارات اصولی بانک هماهنگ خواهد شد، می‌باشد. دستور کار برنامه‌های آینده بانک در این زمینه شامل موارد زیر می‌باشد:

- ادامه بررسی‌های مشترک با صندوق بین‌المللی پول در زمینه برقراری ارتباط بین اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی؛

- ادامه گفت‌وگو با دولت‌ها، آژانس‌های مختلف سازمان ملل متحد، بخش خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی در زمینه تجربیات آنها و برنامه‌هایی که بتواند به جمع‌آوری به‌گزینی تجربیات کمک نماید؛

- تداوم توسعه سایت‌های اینترنت که منابع اطلاعات را به هم ارتباط داده و مشارکت در به‌گزینی تجربیات را ارتقا بخشد، و تقویت همکاری با مؤسسه بانک جهانی،<sup>۱</sup> شبکه توسعه جهانی<sup>۲</sup> و دیگر نهادهایی که بتوانند اطلاعات و منابع برای دولت‌ها فراهم آورند؛

- تداوم فعالیت در زمینه این‌که چگونه به‌گزینی تجربیات می‌تواند به فعالیت‌های عمومی بانک جهانی کمک نماید و ارتباط آن با چهارچوب جامع توسعه<sup>۳</sup>، برنامه‌های اقدام علیه فقر<sup>۴</sup>، و راهبردهای کمک به کشورهای عضو<sup>۵</sup>؛ و

- فعالیت‌های جدید برای درک این‌که چگونه به‌گزینی تجربیات می‌تواند برای اقتصادهای در حال انتقال<sup>۶</sup> و برنامه‌های بعد از بحران و نیز برای بالابردن میزان حساسیت به رفع تبعیضات جنسی در برنامه‌های مدیریت بحران مؤثر واقع شود.

۱. مؤسسه آموزشی بانک جهانی (The World Bank Institute)

2. Global Development Network

3. Comprehensive Development Framework

4. Poverty Action Plans

5. Country Assistance Strategies

6. transition economies

## جمع‌بندی

نوشته حاضر از سلسله مقاله‌های نویسنده در رابطه با تأمین اجتماعی از دیدگاه نهادهای بین‌المللی به‌رشته تحریر درآمده است. اهداف صلح‌جویانه سازمان ملل متحد که در سرلوحه اهداف تخصصی دیگر نهادهای وابسته یا تحت پوشش این سازمان قرار دارند ایجاب می‌کند که همکاری و هماهنگی‌های لازم توسط کلیه این نهادها با عنایت به مزیت‌های نسبی و حوزه‌های تخصصی هر یک در روابط آنها با اعضای جامعه بین‌المللی به عمل آید. این نوع هماهنگی و همکاری، به‌ویژه در رابطه با مقوله تأمین اجتماعی با توجه به شعار انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی که "صلح پایدار بدون عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی تحقق‌پذیر نیست" از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد.

جامعه بین‌المللی در واپسین سال‌های قرن بیستم با عنایت به تحولات اقتصادی-اجتماعی کشورهای شرق آسیا و مکزیک بیش از پیش به لزوم این هماهنگی و همکاری واقف شده و آن را سرلوحه برنامه‌های اصلاحات ساختاری کشورها که از سوی جامعه بین‌المللی حمایت می‌شوند، به‌ویژه بانک جهانی که تأمین‌کننده عمده منابع مالی و کارشناسی برای انجام این اصلاحات و مکمل برنامه‌های اصلاحات ساختاری کلان صندوق بین‌المللی پول می‌باشد، قرار داد. کمیته توسعه (مشترک بین صندوق و بانک) در قطعنامه‌های مکرر بر تداوم فعالیت‌های کلیه نهادهای سازمان ملل، به‌ویژه نهادهای برتون وودز (صندوق و بانک) تأکید ورزید.

از دیدگاه بانک جهانی، نظام‌های موجود تأمین اجتماعی به‌طور کلی در پنج زمینه دچار مشکل می‌باشند: عدم انطباق با شرایط محیط اقتصادی جدید، ارائه خدمات غیر مؤثر، اثرات اقتصادی نامطلوب، فقدان پایداری مالی و مخاطرات سیاسی بیش از حد. در مقام مقابله با چالش‌های حاضر و آینده، بانک جهانی راه‌حلی چند جانبه، شامل ترکیبی از مزایا، تأمین منابع مالی و ترتیبات کارآمد مدیریتی، پیشنهاد می‌نماید.

تنوع مخاطرات یکی از امتیازات اصلی این طرح است با این حال بانک جهانی معتقد به نسخه‌ای واحد بوده که مشکلات کلیه کشورها نیست و دیدگاه‌های بانک جهانی در زمینه نظام‌های تأمین اجتماعی انعطاف‌پذیر بوده و این مؤسسه تنها به پایداری و تداوم سیاست‌گذاری‌های تأمین اجتماعی اهمیت می‌دهد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد در واپسین سال‌های قرن بیستم در پی روند جهانی شدن و یکپارچگی اقتصاد، و نیز وقوع بحران در کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا و کشور مکزیک، تأکید بیشتری بر ابعاد حمایتی مقوله تأمین اجتماعی (در مقایسه با ابعاد بیمه‌ای و امدادی آن) دارد. با عنایت به دیدگاهی وسیع‌تر و فراگیرتر بانک جهانی در زمینه تأمین اجتماعی و تحولات چشمگیری که از زمان صدور بیانیه معروف به "ابتکار استکهلم" در سال ۱۹۹۵ در مواضع بانک در رابطه با مقوله "حمایت اجتماعی" صورت گرفته، بخشی از مقاله به این مواضع تخصیص داده شد.

در پی توصیه کمیته توسعه به تدوین "اصول کلی به‌گزینی تجربه‌ها" توسط بانک جهانی با همکاری سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهای ذی‌ربط به منظور فقرزدایی و ارتقای شرایط رفاهی جوامع در راستای اهداف توسعه بین‌المللی بانک جهانی تعریف جدیدی از "حمایت اجتماعی" ارائه نمود که ریشه در چهارچوب "مدیریت مخاطرات اجتماعی" دارد. در تعریف جدید، حمایت اجتماعی به معنای مداخلات بخش عمومی در جهت ۱. کمک به افراد، خانواده و جوامع محلی در زمینه ارتقای مدیریت مخاطرات، و ۲. حمایت از فقرا (مستمندان) به معنای مطلق کلمه (مثلاً از کارافتاده) می‌باشد.

هدف کلی از تدوین اصول کلی به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی حصول اطمینان از ادغام اهداف توسعه انسانی در مقابله با بحران‌ها و نیز راهبردهای بلندمدت مقوله توسعه می‌باشد. پیش‌نویس اصول به‌گزینی تجربه‌ها در سیاست‌گذاری‌ای اجتماعی که در کمیته توسعه مورد بررسی قرار گرفت در واقع عصاره یک سری اصول در چهار محدوده بود که از بیانیه‌های مختلف سازمان ملل متحد و به‌ویژه از بیانیه "ابتکار کپنهاگ" بود که شامل ۱. نیل به دسترسی جهانی به خدمات اجتماعی اساسی، ۲. توانمندسازی کلیه مردان و زنان به کسب درآمد ایمن و پایدار و شرایط کاری مناسب، ۳. ارتقای نظام حمایت اجتماعی، و ۴. تحکیم وفاق ملی، می‌باشد.

متعاقب درخواست کمیته توسعه، مبنی بر تدوین گزارشی در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و به‌گزینی تجربه‌هایی که بتواند این اهداف را در سطوح ملی و بین‌المللی پشتیبانی نماید، بانک جهانی اقدام به تهیه گزارشی تحت عنوان "مدیریت ابعاد اجتماعی بحران‌ها: به‌گزینی تجربه‌ها

در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی" نمود. در محدوده مطالعات مربوط به به‌گزینی تجربه‌ها سه عامل اصلی نقش کلیدی ایفا می‌نمایند. ۱. تقویت دانش و تفاهم در رابطه با به‌گزینی تجربه‌ها به‌منظور چاره‌جویی ابعاد اجتماعی بحران، ۲. سازماندهی دانش به‌نحوی که قابل دسترسی و استفاده باشد، و ۳. کاربردی کردن دانش. با عنایت به تجربیات ذی‌قیمت بانک جهانی در زمینه مدیریت مقابله با بحران در کوتاه‌مدت و پیشگیری در بلندمدت مبین این واقعیت است که تدابیر کوتاه مدت می‌باید برای پیشگیری از ضایعات جبران‌ناپذیر انسانی و اجتماعی در جامعه اولویت قائل شود. این تدابیر شامل سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کلان، تورهای ایمنی اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت- درمان، سیاست‌های بازار کار و نیز جمع‌آوری اطلاعات و اعتبار بخشیدن به نهادهای موجود می‌شود. تدابیر بلندمدت مربوط به اهداف توسعه در دوران پس از وقوع بحران می‌شود که شامل ۱. جست‌وجوی راهکارهایی که هزینه تکان‌های وارده را با پیش‌بینی سیاست‌گذاری‌ها و نهادهایی در اوقات غیر بحرانی که توان مقاومت بیشتری را در جامعه به‌منظور به حداقل رساندن خسارات وارده فراهم نماید، و ۲. اجرای برنامه‌های تغییرات و اصلاحاتی که در زمان بحران ضروری تشخیص داده شده بود.

بانک جهانی بر این باور است که هیچ مدل واحدی برای "سیاست‌گذاری ایده‌آل" در دست نیست و هر کشوری باید راه‌حل‌های خود را با عنایت به ویژگی‌های پیشینه تاریخی، فرهنگ و نهادهای موجود انتخاب نماید. دستور کار برنامه‌های آینده بانک جهانی عبارت است از ۱. برقراری ارتباط بین اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با همکاری صندوق بین‌المللی پول، ۲. ادامه همکاری با دولت‌ها، آژانس‌های مختلف سازمان ملل متحد، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی به‌منظور جمع‌آوری و به‌گزینی تجربیات، ۳. استمرار توسعه سایت‌های اینترنت جهت مرتبط ساختن اطلاعات، ۴. کوشش به بهره‌گیری از به‌گزینی تجربیات در برنامه‌های بانک و ارتباط آن با چهارچوب جامع توسعه، برنامه‌های مبارزه با فقر، و راهبردهای کمک به کشورهای عضو، ۵. کوشش در جهت درک بیشتر این که چگونه به‌گزینی تجربیات می‌تواند برای اقتصادهای در حال انتقال و برنامه‌های توسعه بعد از بحران و نیز تقویت میزان حساسیت به رفع تبعیضات جنسی در برنامه‌های مدیریت بحران، مفید واقع شود.

## ضمیمه

### اعلامیه کپنهاگ و برنامه اقدام

گردهمایی جهانی برای توسعه اجتماعی ۶-۱۲ مارس ۱۹۹۵

ما خود را متعهد به:

۱. ایجاد چنان محیط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی ای می‌دانیم که در آن افراد بتوانند به توسعه اجتماعی دست یابند.
۲. هدف ریشه‌کنی فقر در جهان، از طریق اقدامات مالی، همکاری بین‌المللی به‌عنوان یک الزام اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی می‌دانیم.
۳. هدف اشتغال کامل به‌عنوان یک اولویت اساس سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌دانیم که کلیه مردان و زنان بتوانند به تأمین معاش پایدار از طریق انتخاب آزادانه اشتغال و کار مولد بپردازند.
۴. یکپارچگی اجتماعی با ترویج جوامعی هستیم که با ثبات، امن و با عدالت هستند و بر ارتقا و حمایت از کلیه حقوق بشر پایه‌گذاری شده‌اند و نیز عدم تبعیض بردباری، احترام به تنوع، تساوی یا فرصت، اتحاد، امنیت، و مشارکت کلیه آحاد جامعه، که گروه‌ها و افراد محروم و آسیب‌پذیر را نیز در برگیرند.
۵. احترام کامل به شؤونات انسانی و ارتقای تساوی بین زنان و مردان هستیم و نقش مشارکت و رهبری زنان را در زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه به رسمیت می‌شناسیم.
۶. دسترسی همگانی و عادلانه به آموزش و پرورش با کیفیت مطلوب و دست‌یابی به بالاترین استاندارد قابل دسترسی برای سلامتی جسمی و روحی و دسترسی همگانی به مراقبت‌های اولیه بهداشتی - درمانی، احترام به فرهنگ‌های خاص و عام خود گذارده و ارتقای آنها و جدیت در تقویت نقش فرهنگ در توسعه هستیم.
۷. سرعت بخشیدن و توسعه منابع اقتصادی، اجتماعی و انسانی آفریقا و توسعه نیافته‌ترین کشورها هستیم.
۸. حصول اطمینان هستیم که زمانی که برنامه‌های تعدیل ساختاری مورد توافق قرار گرفته‌اند این برنامه‌ها اهداف توسعه اجتماعی، به‌ویژه ریشه‌کنی فقر، ارتقای اشتغال کامل و مولد و تقویت یکپارچگی اجتماعی را در بر می‌گیرند.
۹. افزایش زیاد منابعی که برای توسعه اجتماعی تخصیص یافته‌اند و یا استفاده بهینه از آنها هستیم به نحوی که به اهداف این گردهمایی جهانی از طریق اقدام ملی و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابیم.
۱۰. بهبود تقویت چهارچوب همکاری بین‌المللی، منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای برای توسعه اجتماعی با روحیه مشارکتی، از طریق سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای چند جانبه هستیم.